

ماجرای حجاب و عفاف

گردآوری و تألیف
حجت الاسلام محمدتقی رهبر

۱۳۹۰

انتشارات صدرا

رهبر، محمدتقی، ۱۳۱۴.

ماجرای حجاب و عفاف / مؤلف محمدتقی رهبر.

۳۰۴ ص.

چاپ اول: ۱۳۹۰ ۴۰۰۰۰ ریال ISBN: 978-964-80-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. حجاب - ایران. ۲. حجاب اسلامی - ایران. ۳. حجاب - ایران. جنبه های اجتماعی. ۴. حجاب اسلامی

- ایران - جنبه های اجتماعی.

۲۹۷/۶۳۶

۱۳۹۰ م ۲۹۳/۱۷/۲۳۰ BP

۲۵۱۳۷۰۷

کتابخانه ملی ایران

انتشارات صدرا

ماجرای حجاب و عفاف

گردآوری و تألیف: محمدتقی رهبر

چاپ اول: آبان ۱۳۹۰ مطابق ذی حجه ۱۴۳۲

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰۰ ریال

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ فجر (۱۳۹۵-۱۰۰). تلفن: ۳۳۱۱۹۷۹۶

ناشر: انتشارات صدرا (با کسب اجازه از شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید)

کلیه حقوق چاپ و نشر مخصوص ناشر است.

* تهران: شعبه ۱: خیابان ناصرخسرو، مقابل دارالفنون، کوچه دکتر مسعود، تلفن: ۳۳۹۱۵۱۳۰، دورنگار: ۳۳۱۱۹۷۹۶

شعبه ۲: خیابان انقلاب بین خیابانهای دانشگاه و ابوریحان، پلاک ۱۱۶۴ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۸۶ و ۶۶۹۶۱۶۴۵

شعبه ۳: خیابان پاسداران، خیابان گل نبی، خیابان ناطق نوری (زمرد)، بوستان کتاب تلفن و دورنگار: ۲۷۸۵۷۴۸۹

* قم: خیابان ارم، تلفن: ۷۷۳۱۵۲۲، دورنگار: ۷۷۴۷۳۱۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۹۹-۸۰-۰ ISBN: 978-964-7299-80-0

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه ناشر

کتاب حاضر حاصل زحمات دانشمند محترم جناب حجت الاسلام آقای محمدتقی رهبر دامت برکاته در تدوین و تحقیق سیر ماجرای عفاف و حجاب در کشور ما در چند سال اخیر است و می‌تواند به عنوان یک سند تاریخی مورد استفاده محققین قرار گیرد. تلاش محقق و مؤلف محترم بر این بوده که جنبه‌های مختلف این ماجرا از قبیل حد و مرز کار فرهنگی و نظارت عملی و نیز وظیفه دولت اسلامی در این حوزه را مورد بررسی قرار دهند و سیر تاریخی وقایع مربوط در سالهای اخیر را به رشته تحریر درآورند.

در مجموع، این کتاب محصول تعهد و دلسوزی و عشق به مکتب و احساس تکلیف شرعی مؤلف و محقق محترم است. انتشارات صدرا گرچه معمولاً کتب غیر مرتبط با استاد شهید آیت‌الله مطهری را منتشر نمی‌کند، اما به خاطر موضوع این اثر یعنی مسئله عفاف و حجاب که آن متفکر شهید آثار زیادی در این موضوع دارند و نیز اهمیت و تأثیرگذاری آن در شرایط امروز، اقدام به نشر این کتاب نمود.

از جناب حجت الاسلام آقای رهبر به خاطر تلاش خالصانه و محققانه‌شان در پدید آوردن این اثر صمیمانه سپاسگزاریم.

۹۰/۷/۲۰

برابر با چهاردهم ذی‌قعدة ۱۴۳۲

انتشارات صدرا

فهرست مطالب

۷	مقدمه مؤلف.....
۱۵	دیباچه.....
۱۹	سیاست اندلسی کردن کشور.....
۴۳	حجاب زنان در بستر تاریخ.....
۵۵	رویکرد دیگران به اسلام و حجاب اسلامی.....
۶۷	فرهنگ غربی رو به ورشکستگی.....
۷۳	سابقه مطالبات ما از دولت‌ها.....
۸۵	مسئولیت دولت در مسئله حجاب.....
۱۰۵	نیروی انتظامی و طرح حجاب و عفاف.....
۱۳۷	سرنوشت عفاف و حجاب در سال ۸۹.....
۱۸۷	واکنش عمومی و اعتراض از سراسر کشور.....
۲۰۵	دانشگاه و مسئله حجاب و عفاف.....
۲۴۷	نقش حجاب در ثبات خانواده.....
۲۶۱	دیدگاه‌ها، رسانه‌ها و مسئله حجاب و عفاف.....
۲۸۱	آخرین فصل و اول مسئولیت.....

مقدمه

«هنگامی که بدعت‌ها در میان امت من ظاهر شود، بر عالمان است که علم خود را آشکار کنند و اگر علم خود را در برابر بدعت‌ها ظاهر نکنند مستوجب لعنت خداوند خواهند بود.»^۱

فرهنگ از مسائل راهبردی نظام و جوهره انقلاب اسلامی است که اگر تضعیف شود یا در استحاله تدریجی به انحراف کشیده شود، نظام اسلامی را به سویی می‌برد که در طراحی دشمن، صد سال و بیشتر زمان برای آن لحاظ شده است و معلوم است کدامین سرنوشت خواهد بود!

بدون فرهنگ که روح انقلاب اسلامی است، هیچ یک از دستاوردهای علمی و فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های اقتصادی نمی‌تواند آن را جبران کند، چرا که کشورهای پیشرفته دنیا با رتبه علمی و تکنولوژی بالاتر چون فاقد معنویت و ارزش‌های اخلاقی‌اند، رو به انحطاط و افول ره می‌سپارند و جامعه‌شناسان امریکایی همین سرنوشت را برای امریکا و غرب پیش‌بینی می‌کنند.

مسئله حجاب و عفاف که موضوع این نوشتار است - به‌رغم تصور ساده برخی -

۱. پیامبر اکرم (ص): اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل ذلک فعليه لعنة الله.

یکی از مقوله‌های راهبردی و احکام اولیه فرهنگ اسلامی و از عوامل سعادت جامعه انسانی است که دشمنان اسلام در گذشته و حال برای کمرنگ کردن تا محو آن سرمایه‌گذاری کرده و می‌کنند و بی‌حجابی و بدحجابی و ناهنجاری‌های اخلاقی را که نماد آشکار فرهنگ‌زدایی دینی و بردگی مدرن زنان و منشأ بسیاری مفاسد است، دامن می‌زنند و لذا می‌بایست همان مقداری که دشمن بدان اهتمام دارد به مقابله با این توطئه برخیزیم و روی آن حساسیت داشته باشیم.

مع الاسف طی سال‌های اخیر، خودی‌ها نیز که باید پرچمدار ترویج حجاب و عفاف و فرهنگ دینی باشند روی این موضوع حساسیت لازم را نداشته‌اند و به همین دلیل، نه دیروز که تساهل و تسامح حاکم بود به این امر اهتمام داشتند، و نه امروز که شعار آن اصولگرایی است توجه لازم به آن دیده می‌شود، و جامعه به حال خود رها شده و هر روز بدتر از گذشته شاهد بحران‌های اخلاقی، خانوادگی، فساد، شیوع منکرات، از جمله کشف حجاب نوین با نام حجاب اسلامی در بخشی از جامعه هستیم! فضای اجتماعی پارک‌ها، بازارها و خیابان‌ها، اماکن ورزشی و کوهنوردی و اسکی‌بازی، بانک‌ها، شرکت‌ها، بیمارستان‌ها، ادارات، سینماها و فضاهای فرهنگی و هنری و سینمایی و حتی برخی سفرهای زیارتی سیاحتی، اردوهای دانشجویی و دانشگاه‌ها، مجلات رنگی مزین به تصاویر زنان خاص، شاهد نوعی اباحیگری و ناهنجاری است که باید از گسترش و آینده آن هراسید، و با اینکه مسئولین به این موارد اعتراف دارند، در عرصه عمل اراده جدی و برنامه‌ای برای مقابله با این موج خانمان‌برانداز ندارند.

از سوی دیگر، اگر ما می‌خواهیم به دیگر مسلمانان و کشورهای جهان الگو ارائه کنیم و فرهنگ اسلامی را صادر نماییم، راه و روش آن این نیست. شایان تأکید است که پیشرفت‌های علمی و فنی هرچند لازم و قابل ستایش و مایه افتخار کشور است، اما اینها نمی‌تواند چالش‌های فرهنگی و اخلاقی را جبران کند؛ چه، بسیاری از کشورها از ما پیشرفته‌ترند اما با معضلات اخلاقی و اجتماعی ویرانگر دست و پنجه نرم می‌کنند و به همین دلیل، مسئله سازندگی و رشد اقتصادی و فناوری نباید ما را از مسئولیت‌های

فرهنگی و حراست از اخلاق و فضایل انسانی غافل کند.

استحاله تدریجی فرهنگ

جامعه‌شناسان می‌گویند: دو چیز به صورت خاموش و ناخودآگاه برای فرد و جامعه پیش می‌آید، یکی خواب برای فرد و دیگری انحطاط برای یک ملت. استحاله تدریجی فرهنگ از این مقوله است.

به عقب برگردیم و صفحات تاریخ ۳۲ ساله پس از انقلاب را ورق بزنیم. ببینیم از نظر فرهنگ و حساسیت روی ارزش‌های اخلاقی، اول انقلاب و در زمان جنگ چه بودیم و امروز چگونه فکر می‌کنیم و فردا کجا خواهیم رفت؟

در روزهای دشوار دفاع مقدس، یک نوجوان ۱۳ ساله اسیر، در زندان‌های مخوف صدام حاضر نمی‌شود با یک خبرنگار زن بی‌حجاب مصاحبه کند، که خبر این صلابت و ایمان در دفتر تاریخ ماندگار می‌ماند. اما دو سه دهه می‌گذرد و حساسیت‌ها از بین می‌رود و بدحجابی و بی‌حجابی و هنجارشکنی آن‌گونه عادی می‌شود که نه تنها در خیابان‌ها و ادارات و دانشگاه‌ها رایج می‌گردد، بلکه برخی عناصر وابسته به مسئولین زانو به زانو با هنرپیشگان زن - چنانکه تصویرش را دیدیم - یا می‌بخند رضایت می‌نشینند و به آنها جایزه می‌دهند! و برخی دیگر با آن خبرنگار زن خارجی که سراندا از سر انداخته، رو در رو می‌نشینند و گفتگو می‌کنند و یک نفر از تشریفات آن نهاد به آن زن تذکر نمی‌دهد که مقررات قانونی کشور را رعایت کند، و یا خواننده زن در جشن نوروز تک‌خوانی می‌کند و برخی مسئولین تماشا می‌کنند و برخی مسئولین دیگر در جشنواره‌های هنر و سینمای فجر در شرایط نامطلوب و غیرشرعی، به تماشا می‌نشینند و به همان فیلم‌ها و بدحجاب‌های هنرمندا جایزه می‌دهند، یا نمایشگاه‌ها، حتی در مصالای تهران باشگاه تجمل و مد و آرایش می‌شود! و صدای کسی در نمی‌آید. آیا این همان استحاله تدریجی ارزش‌ها نیست؟! این همان عادی‌سازی گناه است که از خود گناه خطرناک‌تر و ناپسندتر است که فردای آن بدتر از امروز خواهد

بود، همان گونه که در روایت از رسول گرامی اسلام (ص) آمده است: «بدتر از ترک امر به معروف و نهی از منکر که یک گناه مسلم است، عادی شدن منکر و رنگ معروف گرفتن آن است.»

آیا با این صبغه فرهنگی می‌خواهیم به دیگر مسلمانان جهان الگوی اسلامیت ارائه کنیم؟! اگر از سیاست‌های اصولی ما ارائه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد حمایت و هدایت رهبری نظام می‌باشد می‌بایست در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی در چارچوب اسلامیت، راهکارهای اصولی داشته باشیم و از شعار فراتر رفته به عمل نزدیک شویم و چالش‌های گوناگون در راه پیشرفت و تعالی کشور را آن گونه که سیاست‌های نظام و بسند چشم‌انداز ترسیم می‌کند پشت سر بگذاریم؛ و عرصه فرهنگ مهمترین این عرصه‌هاست. هرچند در عرصه‌های دیگر چالش‌های دیگری داریم که باید برای حل آن تلاش کرد.

مصوبه حجاب و عفاف

در این میان، سرنوشت مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف مطرح است که در سال ۸۴ اواخر دولت اصلاحات به فرمان مقام معظم رهبری تدوین شد، که اگر طی شش سال گذشته اجرایی می‌شد وضع بدین گونه نبود که می‌بینیم. متأسفانه هیچ‌گاه دغدغه جدی برای اجرایی شدن آن مصوبه وجود نداشته و در فضای بی تفاوتی مسئولین، لایبالیگری و بدحجابی که در پاره‌ای موارد بدتر از کشف حجاب است رشد کرده و این معضل همچنان باقی است و مسئولین فرهنگی و اجرایی نمی‌توانند چشم خود را ببندند و به بهانه کار فرهنگی، از خود رفع مسئولیت کنند.

درباره این مجموعه

پس از فتنه ۸۸، اوایل سال ۸۹، بحث بدحجابی و ضرورت برخورد با آن بار دیگر

مطرح شد و علمای اسلام و مراجع عظام، نمایندگان مجلس، ائمه جمعه، اندیشمندان و نویسندگان دلسوز از آن سخن گفته و مردم مسلمان سراسر کشور در راهپیمایی‌ها و تظاهرات بزرگ خود خواهان برخورد دستگاه‌های اجرایی با این پدیده زشت شدند. در این دوره، نگارنده بر آن شد تا به رغم مشاغل بسیار، گفته‌ها و نوشته‌ها، اتفاقات و حوادث این مقوله را جمع‌آوری و تدوین و تحلیل نماید و در اختیار نسل حاضر و آینده بگذارد تا دآوری کنند چه کسانی برای جلوگیری از این فسق آشکار فریاد کردند و چه کسانی سکوت و سهل‌انگاری نمودند!

این مجموعه که به صورت یک کتاب عرضه می‌شود ماحصل روند گفتگوها طی یک سال در مسئله حجاب و عفاف است که سرگذشت و ماجراهای آن را به تصویر می‌کشد. این مجموعه نوعی دادنامه تاریخی در عرصه فرهنگ است؛ کارنامه‌ای از مسئولین فرهنگی و اجرایی در مسئله حجاب اسلامی به عنوان یک اصل ضروری قرآنی که این روزها در فضای بی‌تفاوتی، بازیچه هوسبازان شده است؛ محاجه فرهنگی است در دادگاه عدل الهی و محکمه وجدان‌ها و اندیشه‌ها؛ سنگ محکی برای مدعیان، هشدار به مسئولین امروز و فردا، اتمام حجت بر آنان که از کنار منکرات روزافزون می‌گذرند و نمی‌خواهند به وظیفه حاکمیتی خود عمل کنند و به نصایح رهبران دینی و فقهای اسلامی و نخبگان دین‌مدار و رهبران فکری و دینی زمان‌شناس توجه نموده و مشورت بگیرند.

هدف از این نگارش صرفاً ادای تکلیفی است در پیشگاه خداوند بزرگ و ارضای وجدان و روشنگری در یک معضل فرهنگی؛ اتمام حجت بر مسئولان و خیراندیشی به مصداق سخن پیامبر اکرم (ص): «والتصیحة لائمة المسلمین». هدف تضعیف نظام یا تخریب کسی نیست، بلکه حمایت از خادمان ملت را با تأسی به رهبری نظام تا وقتی در مسیر درست باشند، وظیفه می‌دانیم، در عین حال که از نقد منصفانه نباید دریغ کنیم. نباید مسئله حجاب و عفاف و شاخص‌های ارزشی اسلام به فراموشی سپرده شود، تا آیندگان بگویند: علما و دانشمندان اسلام در تمام سطوح حاکمیت و مجلس و دولت

حضور داشتند و زیر نگاه آنها ناهنجاری و فساد رایج شد و آنها دم برنیاوردند و در برابر تهاجم فرهنگی عقب‌نشینی کردند و با سکوت خود بر بدعت‌ها صحنه گذاشتند، تا پاسخی باشد به فرمان پیامبر گرامی اسلام (ص) که «هرگاه بدعت‌ها در دین ظاهر شود، بر اندیشمندان و علماست که حقایق دین را بگویند و گرنه مستوجب لعنت خداوندی خواهند بود». خداوند را شاهد می‌گیریم که در آنچه گفتیم بیش از همه، رضای او را در نظر گرفتیم.

در این مجموعه، از مسئولیت همگان سخن به میان آمده، بویژه دست‌اندرکاران امور فرهنگی، دانشگاهی و نهادهای آموزشی و تبلیغی، رسانه‌ای و مسئولین اجرایی، دولت، وزارت کشور، وزارت ارشاد، نیروی انتظامی، و در عرصه اجتماعی خانواده‌ها و آحاد کسانی که دغدغه فرهنگ اسلامی را دارند و از خطر نفوذ روشنفکری غربی و سقوط تدریجی اخلاق هراسانند و آنان که می‌توانند با زبان و خطابه و منبر و جمعه و جماعت و قلم و نگارش به فرهنگ دینی یاری رسانند و پیشنهاد اصلاحی بدهند. این نوشته پیش درآمد بحثهای بعدی است که رسالت‌داران فرهنگ اسلامی باید پیگیر باشند، زیرا این آتشی که دشمن افروخته است خرمی همگان را خواهد سوزاند و برای خاموش کردنش همه مسئولیم.

این مجموعه پایان بحث حجاب و عفاف نیست، بلکه آغاز راه در این مقطع تاریخی است که با عزم و ایمان راسخ و قاطعیت باید پیمود، چرا که تکلیف شرعی اجازه نمی‌دهد نظاره‌گری بی تفاوت باشیم، همان‌گونه که در مسائل سیاسی و اقتصادی نیز باید جهادگرانه عمل کنیم، و تأکید می‌کنم که جهاد فرهنگی بالاترین جهاد ماست که نباید آن را از یاد ببریم.

به همین لحاظ ماده ۲۰۹ قانون پنجم توسعه فرهنگی اقتصادی پنج ساله نیز تأکید دارد: «کلیه دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند اقدامات لازم را برای اجرای طرح جامع عفاف و حجاب معمول داشته و نسبت به مناسب‌سازی محیط خدمتی با اقتضانات جامعه اسلامی اقدام نمایند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است بر اجرای

صحیح طرح نظارت داشته باشد.»

و در تبصره ۲ ماده ۳ این قانون آمده است:

«طراحی، تولید، توزیع و صدور خدمات و محصولات فرهنگی، هنری و سینمایی، رسانه‌ای، صنایع دستی که موجب ترویج فرهنگ برهنگی، بدحجابی، بی‌حجابی و ابتذال باشند ممنوع است.»

و اینک مسئولین اشد و این وظیفه قانونی و شرعی و مطالبات مردمی.

۱۳۹۰/۶/۵

برابر با ۲۶ رمضان ۱۴۳۲

محمدتقی رهبر

www.ketab.ir

گزیده‌ای از دواثر شهید آیت‌الله مطهری

واژه «حجاب»

استعمال کلمه «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه «ستر» را به کار برده‌اند نه کلمه «حجاب» را.

بهرتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه «پوشش» را به کار می‌بردیم، زیرا معنی شایع لغت «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود.

وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران قدیم و هند چنین چیزهایی وجود داشته است ولی در اسلام وجود ندارد.

پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را پوشانده و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی

را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است.^۱

□

سیمای حقیقی مسئله حجاب

حقیقت امر این است که در مسئله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثنای زنا برد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می‌نگرد جواب می‌دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می‌باشند.

درست است که صورت ظاهر مسئله این است که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آن کس که مسئله به نام او عنوان می‌شود زن است و احیاناً مسئله با لحن دلسوزانه‌ای طرح می‌شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسئله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره‌کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آن که در این مسئله ذی‌نفع است مرد است یا زن، و لاف‌زن مرد از زن در این مسئله ذی‌نفع‌تر است. به قول ویل دورانت:

«دامنهای کوتاه برای همه جهانیان بجز خیاطان نعمتی است.»

پس روح مسئله، محدودیت کامیابیها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابیها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جوییهای جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.^۱

□

... بدون شک در ازدواج تمتع شخصی و مسرت فردی وجود دارد؛ انگیزه افراد در انتخاب همسر بهره‌مند شدن از مسرت و لذت بیشتر زندگی است. اکنون باید ببینیم آیا از آن نظر که دو فرد به نام زن و شوهر می‌خواهند زندگی مشترک و مقرون به خوشی و مسرتی تشکیل دهند و از شیرینیهای زندگی بهره‌مند گردند، بهتر و عاقلانه‌تر این است که کانون خانوادگی را کانون خوشیها و کامیابیهای جنسی قرار دهند و حداکثر مساعی خود را برای لذت‌بخش نمودن این کانون صرف کنند و اما اجتماع بیرون (اجتماع بزرگ) محیط کار و فعالیت و برخوردهای دیگر باشد، یا بهتر این است که لذایذ و کامیابیهای جنسی از محیط خانوادگی به اجتماع بزرگ کشیده شود، کوچه و خیابان و مغازه‌ها و محیطهای اداری و باشگاهها و تفریحگاههای عمومی همه جا آمادۀ انواع کامیابیهای جنسی نظری و لمسی و غیره بوده باشد؟

اسلام طریق اول را توصیه کرده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر داشته باشد. زن یا مردی که از این نظر کوتاهی کند، مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. اسلام اصرار فراوانی به خرج داده که محیط اجتماع بزرگ محیط کار و عمل و فعالیت بوده و از هر نوع کامیابی جنسی در آن محیط خودداری شود. فلسفه تحریم نظر بازی و تمتعات جنسی از غیرهمسر قانونی، و هم فلسفه حرمت خودآرایی و تبرج زن برای بیگانه همین است.

کشورهای غربی که ما اکنون کورکورانه از آنها پیروی می‌کنیم راه دوم را انتخاب کرده‌اند. کشورهای غربی در انتقال دادن کامیابیهای جنسی از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی بیداد کرده‌اند و جریمه‌اش را هم می‌دهند: فریاد متفکریشان بلند است. آنها وقتی که می‌بینند برخی کشورهای کمونیستی جلو این کارها را گرفته و مانع هدر دادن نیروهای جوانان در اجتماع شده‌اند، به چشم غبطه به آنها می‌نگرند.

اگر زندگی و خوشی و مسرت هر زندگی را مساوی با اِعمال شهوت بدانیم و چنین فرض کنیم که هر کس بیشتر می‌خورد و می‌خوابد و عمل آمیزش انجام می‌دهد، او از مسرت و خوشی بیشتری بهره‌مند است و به عبارت دیگر اگر استعدادهای بهجت‌وای انسانی و موجبات ناراحتیهای او را محدود بدانیم به آنچه حیوانات دارند، البته انتقال کامیابیهای جنسی از کانون خانوادگی به اجتماع بزرگ لذت و مسرت بیشتری خواهد داشت.

اما اگر بتوانیم تصور کنیم که اتحاد روح زن و شوهر و عواطف صمیمانه‌ای که احياناً تا آخرین روزهای پیری که غریزه جنسی فعالیت ندارد باقی است برای زندگی ارزش بیشتر و بالاتری دارد، اگر بتوانیم تصور کنیم که لذتی که یک مرد از مصاحبت همسر مشروع و وفادارش می‌برد با لذتی که از مصاحبت یک زن هر جایی می‌برد تفاوت دارد، کوچکترین تردیدی در این جهت نخواهیم کرد که به خاطر بهره‌مند شدن از مسرت بیشتر و آرامش بیشتر لازم است عواطف جنسی افراد را محدود به همسر قانونی کرد و محیط و کانون خانوادگی را به این کار، و اجتماع بزرگ را به کار و فعالیت اختصاص

دهیم.^۱